

دوستی غزالی با اهل بیت (ع) از نوشته‌هایش پیداست

گفت‌وگو با دکتر محمدحسین ساکت درباره آرا و اندیشه‌های ابوحامد محمد غزالی

وضوح دیده می‌شود. در گفت‌وگو با دکتر محمدحسین ساکت، پژوهشگر و غزالی‌پژوه، که آثار متعددی در این‌زمینه به رشته تحریر درآورده است، قصد داریم به برخی زوایای کمتر شناخته‌شده این مرد بزرگ توسی بپردازیم.

● غزالی از اندیشمندان مهم و تأثیرگذار خراسان در دوره خویش بود. به دامنه این تأثیرگذاری و توجه به آرا و اندیشه‌های او تا چه اندازه در جغرافیای تمدن اسلامی توجه می‌شد؟

ابوحامد غزالی توسی، از استثناهای اندیشه‌گری فرهنگ تمدن اسلامی است. استثنایی بودن غزالی از چند نگاه مطرح است. غزالی نخستین عالمی بود که لقب افتخارآمیز «حجت الاسلام» را به او دادند. این عنوان را شاگردان و بزرگان دوران خویش به او دادند. گمان می‌رود گرگان شد و سال‌ها در آن شهر به تحصیل علم پرداخت. پس از بازگشت از آن شهر، قدم به شهر نیشابور گذاشت و در شمار شاگردان امام‌الحرمین جوینی قرار گرفت. پس از گذشت سال‌ها راهی پایتخت حکومت اسلامی، بغداد، شد و دوران پرفراز و نشیبی را در آن شهر گذراند. اما نکته شایان توجه در زندگی او تحولات فکری او در آخر عمر است که سبب نوشتن کتاب مهمی به نام «المنقذ من الضلال» شد. او در این کتاب

به بررسی زندگی خود و ترسیم مسیری که سال‌ها در آن قدم نهاده بود، پرداخت. این تحولات در آثاری که در انتهای عمر او نوشته شد، به



آیا عصر دیجیتال مانع کتاب‌خوانی شده است؟

مروری بر کتاب «قدرت خواندن، از سقراط تا توییتر»

حسینینژاد

امروزه در نظر اهل فرهنگ و اندیشه، افول کتاب‌خوانی از ملموس‌ترین بحران‌های جامعه ماست. هر روز اخبار و آمار جدید و گاه مبالغه‌آمیزی درباره بحران کتاب‌خوانی و درصود روبه کاهش کتاب‌خوان‌ها می‌شنویم. گاهی قیمت کتاب، عامل روی گرداندن از کتاب‌خوانی معرفی می‌شود و گاهی محتوای نامناسب کتاب‌ها، ترجمه و تألیف‌های بد و شیوع رسانه‌های

گوناگون از نوشته‌هایش را به زبان‌های تازی، پارسی، ترکی، روسی، اردو، لاتین و زبان‌های اروپایی پیش‌رو نهیم و پژوهش‌ها و کندوکاو‌هایی را که درباره زندگی و اندیشه‌های او انجام گرفته است، بدان بیفزاییم. نام‌آوری، نقش‌آفرینی و ماندگاری او بیشتر خواهد شد. غزالی به عنوان اندیشه‌مندی ژرف‌نگر و دانشمندی احیاگر، پس از این‌سینا و ابن‌خلدون، در گستردگی کار، ژرف‌اندیشی و نشان‌گذاری بر آیندگان بی‌همتا مانده است. باین همه، روش و کار غزالی نشان می‌دهد که او جهان‌مدار بود.

● غزالی در زندگانی خویش تحولات مختلفی را درک کرده است و این تحولات سبب تغییر در مشی اندیشه او بوده است. تغییرات روحی و فکری او در اواخر عمرش چه تأثیری بر اندیشه‌های او گذاشت؟ در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سرشناسان و دانشمندان اندکی بودند که در بخش‌پایان عمر خویش تغییرات چشمگیری در زندگانی‌شان رخ دهد. غزالی یکی از آنان بود که داستان آن در کتاب «مکاتیب غزالی»، که نامه‌های فارسی اوست، با نثری دل‌نشین آمده است.

کسانی که درباره بحران روحی غزالی نوشته‌اند، خستگی و افسردگی او را انگیزه‌ای بنیادین در روی‌آوری‌اش به تصوف و گوشه‌گیری و مردم‌گریزی و گسستگی از کارهای دیوانی دانسته‌اند. در این میان گزارش شمس‌الدین واسطی، دانشمند اصولی و فقیه شافعی، در کتاب «الطبقات العلیة» از زبان «اسماعیل فارسی» شنیدنی است. او آشکارا از بیماری و افسردگی سخت غزالی خبر می‌دهد. به بیان واسطی، غزالی به یاری برخورداری از عنایت‌های

پروردگار از روان‌پریشی (جنون) رهایی یافت. به هر رو، غزالی در پایان زندگانی به بن‌بست سیاسی عقیدتی رسیده بود. او راهی نداشت جز آنکه با نگارش نگاشته‌هایی مانند «کیمیای سعادت» و «مشکاة الانوار» و «فضائل الانام»، واماندگی و پشیمانی و بازگشت خویش را نشان دهد.

او یک باره از قیل و قال سالیان دراز مدرسه گسست و به آموزه‌ها و اندوخته‌های روحی عرفانی درونی پیوست. از دربار و درباریان و سلطه زمان برید و به شناخت ژرف برخواسته از حقایق دینی و اکتشاف رموز رازهای درونی روی آورد. او به این دست‌اورد سترگ رسید که قیل‌و‌قال فلسفی و پناه به خرد انسانی، یگانه ابزار راهگشا در کارهای این‌جهانی، به‌جایی نمی‌رسد، بلکه عقل همگام با عرفان کارساز می‌افتد.

● جناب ساکت شما کتابی درباره میانی فکری غزالی در تعلیم و تربیت به رشته تحریر درآوردید. به نظر تان شاخصه‌های مهم تربیت‌شاگرد از دیدگاه غزالی چیست؟ او تا چه اندازه به موضوع تربیت کودکان توجه کرده است؟

غزالی در نگاشته‌های گوناگونی درباره تربیت و آموزش سخن گفته است. در کتاب «احیاء علوم‌الدین» به صورتی مفصل به این موضوع پرداخته است. او رساله‌ای تک‌نگاشتی به‌نام «منهاج المتعلم» نوشته‌است که آن را با ویرایش تازه به پارسی درآورده‌ام. دیدگاه‌های آموزشی غزالی بسیار تأمل‌برانگیز است، زیرا وی معلم، متفکر، فقیه و فیلسوفی است که جنبه‌های پرورشی در آثارش نمود فراوانی دارد. این کتاب متشکل از تصحیح، ویرایش و ترجمه بخشی از رساله غزالی براساس نسخه خطی «منهاج المتعلم» همراه با مقدمه‌ای کوتاه است. همچنین در این اثر تلاش کرده‌ام رده‌بندی دانش از دیدگاه غزالی را نیز ذکر کنم. این مقاله در کتاب «غزالی‌پژوهی» چاپ شده است. اندیشه آموزشی او ویژه کودکان را در مقاله «آموزش و پرورش کودک از نگاه غزالی» نگاشته‌ام. در اصل غزالی مانند دیگر اندیشمندان علوم‌تربیتی و روان‌شناسان کودک بر تربیت درست و بهنجار کودکان در سالیان آغازین و نوجوانی

تأکید و تکیه کرده است. کودک از نگاه غزالی نهال نوپایی است که می‌تواند به درخت تنومند پراشاخ وبرگی تبدیل شود یا به گیاهی پژمرده و بی‌برگ ویر. در رساله فرزندنامه (ایها الولد) به اشاره‌های گران‌بهایی در این زمینه برمی‌خوریم. در نگاشته‌های تربیتی غزالی نکته‌های تازه‌ای برای کودکان به دست می‌آید.

● غزالی در یکی از نامه‌هایش که به وزیر سنجر سلجوقی نوشته است، به جریان زیارت حضرت رضا (ع) اشاره می‌کند و آنجا تجدید عهدی با حضرت می‌کند. نگاه او به ویژه در اواخر عمر به اهل بیت پیامبر(ص) چگونه بوده و تا چه اندازه از روایات اهل بیت(ع) در آثارش بهره برده است؟

غزالی در نامه‌ای به وزیر سنجر سلجوقی اشاراتی به زیارت از مزار حضرت امام رضا(ع) می‌کند. وی بر سر مزار ابراهیم خلیل در قدس سوگند یاد کرد که گرد هیچ پادشاه و امیری نگردد و به لشکرگاه (اردوی شاه) گام نهد. او به فرمان شاه به‌گفته خودش: «به‌شهدالرضا(ع) ادم نگاهداشت عهد خلیل^(ع) به لشکرگاه نیامدم. بر سر این مشهد می‌گویم ای فرزندرسول^(ص) شفیع باش تا یزید تعالی ملک اسلام را در مملکت دنیا از درجه پدران خویش بگذرانند و در مملکت آخرت به درجه سلیمان^(ع) برساند...» تا آنجا که از مشهدالرضا و امام هشتم^(ع) در نگاشته‌های غزالی سخن به میان آمده است. همان گونه که می‌دانیم غزالی ترویج‌دهنده آموزش‌های فقهی شافعی بود.

سلجوقیان از این مذهب حمایت می‌کردند و متعصبان حنفی و حنبلی نیز چندی آن را به انتقاد گرفتند. با این همه دوستی او با اهل بیت^(ع) از فحواي سخنان و نوشته‌هایش پیداست. در گذشته برخلاف تصور امروز ما، دانشمندان اهل تسنن و مکتب‌های چهارگانه برای اهل بیت^(ع) احترام قائل بودند. اگر از یک دسته‌اندک و کم‌اعتباری که با خاندان پیامبر خدا^(ص) ستیز و دشمنی داشتند، بگذریم، همگی به پیشوایان ما ارادت داشته‌اند یا سر تکریم فرود می‌آوردند. آن دسته اندک هم به‌گفته «النادر کالمعدوم» بودند.



نسخه‌ای به‌جامانده از غارت نیشابور در سال ۵۴۸قمری

منبعی نشابور دارالکتابی ساخته و در آن نهاده و وقتی که نشابور غارت می‌کردند و کتب بسیار بدین جای آوردند، این کتاب از آن جمله است و این ساعت که در دست من است، ملک من نیست و نیز و ضمیر آن است که اگر باز دائم کی آن دارالکتب کی موضع اوست، بر حال عمارت مانده است و باقی کتب برجای این نیز باز آنجا رسانم و اگر نه به فواید آن منتفع و مستفید می‌باشم و دعا خیر به واقف آن رحمه... می‌فرستم. غرض از اثبات این سطور آن است که بعد از بن‌بیع و شری برین کتاب روان‌دارند و هذا خط احمد بن حامد کتبه خوفا من سخط... و عقابه يوم تجزی کل نفس بما کسبت و ملی...ا علی محمد و آله،

متن دست‌نوشته:

این (کتاب) کی کرده‌اند چنین دیدم که مکتوب آن بود که این کتاب صاحب عبدالجلیل [...] گردانید و در جامع

اهتمامی درخور برای معرفی چهره الهی و انسانی پیامبر(ص)

روایتی از کتاب «محمد رسول خدا» نوشته دکتر آنه ماری شیمل

بیش از یک دهه می‌گذرد، اما همچنان تصویری روشن و واضح از آن روز خاطره‌انگیز پیش چشم دارم. در یک روز بهاری در ماه اردیبهشت، روز معلم را بهانه کردم تا از استاد دکتر حسن لاهوتی احوالپرسی کنم، تلفن کردم.

رخست دیدار داد.

خدمتش شریفاب شدم. با گشاده‌رویی و تبسمی شیرین به درون خانه دعوتم کرد. در کتابخانه طبقه همکف نشستیم و از کتاب‌های تازه و کتاب و کتاب‌خوانی سخن گفتیم. ساعتی گذشت. درنگ بیشتر را روا ندیدم. اجازه مرخصی خواستم که فرمود: کمی صبر کنید. از جا برخاست. از میان کتاب‌ها، نسخه‌ای از کتاب «محمد رسول خدا» نوشته خانم آنه ماری شیمل را برداشت. پرسید: این کتاب را که ندارید؟ پاسخ را از نگاه مشتاق من دریافت. کتاب را باز کرد. قبل از نوشتن تقدیمی، مختصری از کتاب برایم گفت؛ آن چنان که گویی بخش از مقدمه را باز می‌گوید: «خانم شیمل مسلمان نبود، اما به تمدن و معارف اسلام در همه ابعاد و جلوه‌های آن، خاصه عالم عرفان، عشق می‌ورزید. پیامبر اسلام^(ص) چنان که از همین کتاب پیداست، نزد او مقامی والا‌تر از همه انبیا داشت.» تقدیم نامه را نوشت: «تقدیم به حضرت سیدخلیل حسینی عزیز» و امضا کرد.

ادامه سخن را پی گرفت.

«اگر شهادتین را چنان که به ما آموخته‌اند، برای اقرار به اسلام کافی بدانیم، پرفسور شیمل به هنگام مطالعه آثار اسلامی، از قرآن و حدیث گرفته تا تألیفات علمای مسلمان، ضمن تهیه یادداشت‌های اولیه، نیز به هنگام تألیف و پس از آن در ساعات تصحیح نمونه‌های مطبوعی کتاب محمد رسول خدا، ده‌ها بار گواهی بر وحدانیت خداوند و رسالت محمد^(ص) را نه تنها بر زبان که برقلم نیز تکرار کرده بود. هرگز ننوشت و نگفت مسلمان است، اما از رفتار و کردار و گفتارش مسلمانی هویدا بود. چهره خندانش لطفی دیگر بود از الطاف بسیاری که خداوند به او عطا کرده بود و در نخستین لحظه دیدار دل از تازه‌آشنا می‌برد. همسرمر گرگز یاد خوش نخستین دیدار او را از یاد نبرده است.»

درباره آشنایی‌اش با کتاب گفت: «هنگام سفر شیمل به مشهد از وجود چنین کتابی آگاهی یافتم. با خواندنش علاقه‌مند شدم که آن را به فارسی برگردانم و به هم‌کیشان هم‌زبانم تقدیم کنم تا درباره پیامبر محبوب خود از زبان دانشمندی بیگانه ستایش بشنوند و از روزنه چشم پژوهشگری بزرگ رخسار پرفروغ حضرت محمد^(ص) را بنگرند.»

باری آنچه دکتر لاهوتی عزیز آن روز گفت، آتش شوق مرا برای خواندن کتاب برفروخت و چند روزی پس از آن دیدار کتاب را خوانده بوم.



● مآختر کتاب «محمد رسول خدا»

کتاب «محمد رسول خدا» شامل ۱۲ فصل است که به ترتیب بدین قرار است: سیره و سرگذشت، مقتدای نکو، یکتایی مقام محمد^(ص)، قصه‌ها و معجزه‌ها، محمد شفیع قیامت و صلوات بر او، نام‌های پیمبر، نور محمد و مکتب عرفان، جشن میلاد پیمبر، سیر شبانه و معراج پیمبر، نعت پیمبر، طریقه محمدیه و تفسیر تازه از زندگی پیمبر و محمد پیغمبر خدا در آثار محمد اقبال. به‌طور کلی می‌توان گفت که پروفسور شیمل با تألیف و انتشار این کتاب در اروپا و آمریکا سعی در اثبات حقانیت خاتم الانبیا و معرفی شخصیت الهی و انسانی پیامبر اسلام^(ص) و تصویر چهره محبوب او دارد، برخلاف آنچه دشمنان اسلام در غرب ترسیم کرده‌اند.

شیمل در این کتاب، دیدگاه تازه‌ای را برای معرفی حضرت رسول اکرم^(ص) انتخاب کرده است؛ به این عبارت که برخلاف سیره‌نویسان، به گفته‌ها و شنیده‌ها اکتفا نکرده، بلکه کوشیده است علاوه بر استناد به واقعیت‌های تاریخی و شواهد قرآنی و احادیث، در عقاید و اندیشه‌های عموم مسلمانان عشق خالصانه‌ای را بجوید که با ساختن داستان‌ها و سرودن شعرها و منظومه‌ها و برپاکردن آیین‌های خاص برای پیامبر معزز و محبوب خود ابراز می‌کنند و بدین شیوه به ژرف‌کاوی شخصیت پیامبر بپردازد و سیمای واقعی رسول خدا را در شعر شاعران و نوشته‌های عارفان و مسلمانان ایرانی، هندی، عرب، ترک و آفریقایی نیز بیابد و ترسیم کند و روایتی عاشقانه و عارفانه را از یک سو به دقایق کلامی و فلسفی و از سوی دیگر به باورهای عامیانه و فرهنگ عامه مسلمانان پیوند بزند تا بتواند ضمن آنکه بی‌اساسی دشمنی‌های نابخردانه برخی دانشمندان مغرب‌زمین با اسلام و پیغمبر اسلام را به زبانی لطیف و در عین حال معقول و مستدل آشکار می‌کند، عشق مسلمانان را به پیامبرشان نیز پیش چشم آنان مجسم کند.

بنابراین، ضمن پاسخ‌گفتن به برخی از این نظریه‌های همین حد اندک، خواننده فارسی‌زبان بی‌این‌گونه‌ای می‌تواند آشنا شود. خواننده کتاب با احساس این وظیفه انسانی و بی‌طرفی شایسته، بر مؤلف کتاب درود می‌فرستد و به قلم پاک و توانای مترجم کتاب آفرین می‌گوید، یاد و نام ارجمندشان همواره بلند و خاک‌بر آنان خوش‌باد!

روزنامه شهرامید ورزش‌دگی

شنبه ۴ بهمن ۱۳۹۱ (۲۳ شهریور ۱۳۹۰)

۱۳ SHAHRARNEWS.IR

اندیشه